

جبهه دوم خرداد در پایان راه ؟

از صفحه ۳

در دوران ریاست جمهوری او شانس چندانی برای تبدیل شدن به قانون ندارند.



پیام انتخابات دوم خرداد حفظ این نظام نبود. این را همه، حتی نیرو های موسوم به دوم خردادی هم می دانند. آن ها نه محصول انتخاب آزادانه مردم که محصول جانبی رای انکار مردم به استبداد مذهبی، و خود مولود شرائط خود ویژه ای بودند که بر انتخابات تحت کنترل حکومت اسلامی حاکم بود. آن ها از دل انتخاباتی برآمدند که در آن انتخابی جز آن ها در برابر عوامل مستقیم استبداد ممکن نبود. اگرچه خود از پایه های تحکیم این استبداد بودند، اما در آن انتخابات به حاشیه حکومت رانده شده و درحکم اپوزیسیون داخلی حکومت بودند. طبیعی بود که در مقایسه با عوامل مستقیم استبداد و برای آشفته کردن خواب های شیرین آن از شانس انتخاب برخوردار شوند. دوم خردادی ها بعد از این انتخاب، در مقابل آزمون جدیدی قرار گرفتند. به شعار های خود حتی در چارچوب قوانین این حکومت پایبند بوده و راه را بر انتخاب آزاد مردم هموار سازند که در این صورت باید رژیم استبدادی حاکم فاصله می گرفتند که قادر به چنین کاری نبودند و خود جزئی از ارکان آن بودند. و یا این که به نام حفظ نظام آشکارا به آرائی که به نام مقابله با استبداد به حساب آن ها ریخته شده بود، پشت پا بزنند. در طول پنج سال گذشته اصلاح طلبان حکومتی با تسلیم بر خطوط قرمز ترسیمی ولی فقیه و دارودسته های مافیائی حول و حوش او، به نام حفظ نظام از هر گونه اقدام اصلاحگرانه جدی در چارچوب همین حکومت هم باز مانده اند. تعویق برگزاری کنگره جبهه دوم خرداد مسیری بی بازگشت است که در برابر این جبهه دهان گشوده است و بیش از آن که یک تعویق عادی تلقی شود، نشانه بحران درونی این ائتلاف و مقدمه ای است بر آغاز پایان جناح موسوم به دوم خرداد. و به طریق اولی یک دوره از حیات حکومت اسلامی .

تزیق مواد مخدر، مهمترین عامل سرایت این بیماری در ایران است. با در نظر گرفتن گستردگی بیسابقه اعتیاد طی سالهای گذشته که تعداد معتادان را به حدود ۲ میلیون نفر بالغ کرده است می توان دید که چه زمینه مساعدی برای اشاعه وسیع مصیبتی دیگر به نام «ایدز» در انتظار جامعه ماست. زندانها و بازداشتگاه های جمهوری اسلامی، که بیش از صد هزار نفر زندانی در ارتباط با «جرائم مواد مخدر» را در خود جای داده اند، به اعتراف خود مسئولان مربوطه، اکنون به مراکزی برای شیوع بیماری «ایدز» تبدیل شده اند. روابط جنسی «مشروع» و یا «نامشروع» و از جمله رابطه با زنان خودفروش، عامل مهم دیگر در اشاعه این بیماری محسوب می شود. به گفته دکتر محرز، « شیوه شیوع ایدز از طریق استفاده سرنگ مشترک توسط معتادان، به شدت به سمت شیوع از طریق روابط جنسی تغییر می کند. یعنی همین معتادان که از سرنگ مشترک استفاده می کنند، ایدز را به همسران خود انتقال می دهند». در مورد جایگاه روابط جنسی همجنس گرایانه در اشاعه «ایدز»، هیچ اشاره ای در ارزیابی های رسمی و غیر رسمی وجود ندارد. زیرا که این مقوله هم یکی دیگر از «تابو» های بزرگ در حکومت اسلامی است.

مسئله دیگری درباره شیوع «ایدز» که توجه برخی کارشناسان را بخود جلب کرده، رواج نوعی «توریسم جنسی» در سالهای اخیر است. یک سوی این «توریسم» مردان ایرانی هستند که به خارج و بویژه به کشورهای نو استقلال شوری سابق می روند و غالباً «آلوده» بر می گردند. سوی دیگر آن هم زنانی هستند که از جمهوری های آسیای مرکزی به شهرهای شمالی ایران، و خصوصاً مشهد، برای تن فروشی می آیند و از این طریق هم بیماری مورد بحث اشاعه می یابد. درباره نقش و تاثیر این مسئله در انتقال «ایدز» ، ارزیابی دقیق و روشنی وجود ندارد. لکن هنگامی که اصل مسئله پرده پوشی می شود، بالطبع هیچ کاری هم برای آگاهی رسانی و پیشگیری انجام نمی شود.

در صورت تداوم این شرایط، با توجه به زمینه مساعد و روند فزاینده شیوع بیماری «ایدز» ، جامعه ما در این عرصه نیز پیامدهای دردناک و لطمات جبران ناپذیری را متحمل خواهد شد.

گردید، حسین ملک افضلی، معاون وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، موارد ثبت شده بیماری را ۳۶۸۰ نفر و تعداد مبتلایان (دارندگان ویروس «اچ.ای.وی») را حدود ۱۸ هزار نفر اعلام داشت. دکتر محرز، در گفتگو با «حیات نو»، در این باره می گوید: « آمار ثبت شده مبتلایان به ایدز اکنون ۳۹۱۲ نفر است. از این مقدار تنها هزار بیمار در کرمانشاه به سر میبرند» و می افزاید: «آمار غیر رسمی از وجود حدود ۲۰ هزار بیمار مبتلا به ایدز حکایت میکند، در صورتی که به اعتقاد من تعداد مبتلایان از این میزان هم بیشتر است».

هر چند که آمار مبتلایان به «ایدز» در حال حاضر در ایران، در مقایسه با برخی کشورهای آفریقائی یا اروپائی، در سطح پایینی قرار دارد. ولی سرعت گسترش و اشاعه آن در جامعه ما بسیار بالا و هشدار دهنده است. در همان سمینار پیشگفته، معاون وزارت بهداشت و درمان، نرخ رشد ابتلا به این بیماری را ۲۵ درصد در سال اعلام کرد. با مقایسه آمار رسمی موارد ثبت شده بیماری در ماه های بهمن ۱۳۸۰ و شهریور ۱۳۸۱، می توان دید که میزان افزایش این آمار، در فاصله هشت ماه حدود ۱۴ درصد بوده است.

دکتر محبوبه حاجی عبدالله، متخصص بیماری «ایدز» در بیمارستان «امام خمینی» تهران، در رابطه با شیوع «ایدز» در ایران، به خبرنگار «نیویورک تایمز» اظهار میدارد: «این بیماری بسرعت در حال گسترش است. غالب مبتلایان را جوانان تشکیل می دهند که تعدادشان مرتباً بالا و بالاتر می رود» و اضافه می کند: «مشکل ما هم با اینها (جوانان) است، چون که ما نمی توانیم به آنها دسترسی و اطلاع رسانی داشته باشیم». با وجود این قبیل هشدارهای پزشکان، در وضعیتی که طرح و بحث و چاره جوئی برای مشکلات جاری جامعه به صورت «تابو» درآمده و پنهانکاری و پوشاندن معضلات واقعی رسم رایج حکومتیان شده است، طبعاً هیچ اقدام جدی و موثر برای مقابله با «ایدز» هم نمی تواند صورت بگیرد. تحت این شرایط خفقان بار و مسدود، چه بسا بیماران جرات و امکان طرح نیاز و مسائلشان با پزشکان خود را نیز پیدا نمی کنند.

بر پایه ارزیابی های صاحب نظران ، در حال حاضر اعتیاد، یعنی استفاده از سرنگ معتادان مبتلا به «ایدز» بوسیله سایر معتادان برای

